

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۰۵

جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱

### به یاری ۳۷ هزار پناهجوی ایرانی در ترکیه بشتابیم!

خلیل کیوان



## با تمام قوا به یاری ۳۷ هزار پناهجوی ایرانی در ترکیه بشتابیم

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

۴ و ۱ به یاری ۳۷ هزار پناهجوی ایرانی در ترکیه بشتابیم. - خلیل کیوان

۳ و ۲ علیه تبعیض فرهنگی - مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی

۵ و ۴ "نواندیشی اسلامی" از چاه اسلام به چاه عرفان - حسن صالحی

۶ و ۵ انتخابات کذایی نزدیک است - ژوبین زارع

۶ صاعقه ما ستم اغنیاست - مراد مکوندی

۱۰ و ۹، ۸، ۷ مادیای اجتماعی حزب

۱۴ و ۱۳، ۱۲، ۱۱ اطلاعیه ها حزب

کرده و نمایندگانی برای پیگیری و پیشبرد امورشان انتخاب کرده اند. در میدیای اجتماعی حضور فعال دارند. گروه هایی در زمینه های مختلفی از جمله اطلاع رسانی، آموزشی و همیاری تشکیل داده اند و به یاری یکدیگر برخاسته اند. در پی این تحرکات و اقداماتی

ادامه در صفحه ۴

تأمین حداقل های زندگی خود و فرزندانشان امر ناشناخته ای نیست.

خوشبختانه در ماه های اخیر پناهجویان برای مقابله با مشکلات خود دست به تحرکات تازه ای زده اند، متشکل شده اند و برای بهبود وضعیت خود اقداماتی را نیز انجام داده اند. از جمله در ۱۳ شهر مبادرت به تشکیل شوراهای پناهندگی

فقدان بیمه های درمانی و اجتماعی و مشکلات دیگر، زندگی پناهجویان ایرانی در ترکیه را به یک کابوس و جهنم بدل کرده است. این وضعیت برای زنان و کودکان دشواریهای غیر قابل تحمل تری ایجاد کرده است. بدرفتاری، خشونت کلامی و سوء استفاده های جنسی کارفرمایان، مامورین دولتی و پلیس نسبت به زنان و یا اجبار به تن فروشی آنها برای

بر ترور و آدم ربایی جمهوری اسلامی بسته است، در مقام رسیدگی به امور پناهجویان ایرانی قرار گرفته است.

سرنوشت پناهندگان به بازی گرفته شده است. دولت ترکیه رسیدگی به پرونده پناهجویان ایرانی را با این استدلال که آنها جنگ زده نیستند از اولویت خارج کرده است. در نتیجه، پناهجویان ایرانی برای مصاحبه اولیه نیز باید سالها در انتظار باشند. علاوه بر این، اداره مهاجرت ترکیه در اقدامی عجیب پناهندگی بسیاری را که قبل از سال ۲۰۱۸ توسط سازمان ملل پذیرفته شده بودند را نیز لغو کرده است. اکنون ده ها هزار پناهجوی ایرانی در ترکیه در بلاتکلیفی مطلق و بی افقی بسر میبرند.

فقر و تنگناهای شدید مالی، بدرفتاری مقامات و ادارات دولتی و پلیس ترکیه، نداشتن اجازه کار، بیکاری، سوء

۳۷ هزار پناهجوی ایرانی در باتلاق ترکیه گرفتار شده اند. کمیساریای امور پناهندگی سازمان ملل از سال ۲۰۱۸ همه امور پناهندگی را به دولت ترکیه سپرد و در قبال سرنوشت پناهندگان از خود سلب مسئولیت کرد. از آن پس اداره مهاجرت ترکیه و شهرداریهای این کشور، که نه دانش حقوقی لازم در حوزه پناهندگی را دارند، و نه از اوضاع سیاسی کشورهای دیگر و بویژه از اوضاع ایران و پیچیدگیهای آن سر در می آورند، زمام امور پناهندگان را بر عهده گرفته اند.

به این ترتیب دولت ترکیه که خود در لگدمال کردن حقوق مدنی مردمش شهره است و در سرکوب شهروندان سنگ تمام گذاشته است، مناسبات و بده بستان هایی هم با جمهوری اسلامی و نیروهای امنیتی آن دارد و آن کشور را به حیاط خلوط نیروهای امنیتی ایران بدل کرده است و بکرات



استفاده کارفرمایان از کار ارزان پناهجویان که گاه از پرداخت دستمزدها نیز سر باز میزنند،

پناهجویان را به ایران دیپورت کرده - که بعضا با احکام اعدام و زندان روبرو شده اند - چشم

## سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## علیه تبعیض فرهنگی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



در واقع تامین منافع طبقه سرمایه دار در پوشش دفاع از منافع ملی - میهنی است.

یکی از بروزات این واقعیت پایه ای تبعیض و ستم فرهنگی است که ما در رابطه با زبان و موسیقی ورقص و لباس و غیره مشاهده میکنیم و شما به نمونه هائی از آن اشاره کردید. بنابراین در اینکه ستم فرهنگی وجود دارد تردیدی نیست. بحث بر سر راه مقابله با آن و رفع آن است.

**خلیل کیوان:** بحث دیگری که در رابطه با تبعیض فرهنگی مطرح میشود مساله آزادی بیان است. برخی معتقدند روزنامه ها مجازند در مورد مسائل مختلف بنویسند، از جمله در مورد مسائل فرهنگی نظر بدهند، نقد و حتی هجو و تمسخر کنند. میگویند محدود کردن چنین ابراز نظرهایی در مورد اقلیتها و گروههای اتینکی مغایر با اصل آزادی بیان است و اعتراض در چنین مواردی بیجاست. آیا به نظر شما این نوع محدودیتها و اعتراضات با اصل آزادی بیان مغایرت دارد؟

**حمید تقوایی:** نکته اول این است که آزادی بیان یک خیابان یک طرفه نیست. شما آزادید هر چه میخواهید بگوئید، بقیه هم آزادند به شما اعتراض کنند. آزادی اعتراض هم جزء مهمی از آزادی بیان است. بنابراین این نظریه که نباید به نظرات و اظهارات تبعیض آمیز اعتراض کرد دفاع از آزادی بیان نیست، ناقض آن است. این نظریه آزادی بیان معترضین را نقض میکند.

کلا این تعبیر عجیبی از آزادی بیان است که آزادی ابراز نظرات تبعیض آمیز ملی و قومی و فرهنگی را برسمیت بشناسیم ولی اعتراض به این نظرات را مجاز ندانیم! به نظر میرسد چیزی در این میان سرو ته شده است! همیشه کسانی که بر طبل نفرت پرانی های ناسیونالیستی و قومی و مذهبی کوبیده اند آزاد بوده اند و کسانی که به این تبعیضات معترض بوده اند سرکوب شده اند. آزادی بیان قبل از هر چیز یعنی آزادی

نقد و اعتراض به مذهب و ناسیونالیسم و نفرت پرانی ها و تفرقه افکنی های ملی و فرهنگی و قومی و نژادی و مذهبی.

نکته دیگر اینکه آزادی بیان هیچ حکمی در مورد مضمون نظرات بیان شده نمیدهد بلکه اعلام میکند همه آزادند حرفشان را بزنند. ما هم همین را میگوئیم. همه روزنامه ها میتوانند هر چه میخواهند منتشر کنند و هر نظریه ای هر اندازه تبعیض آمیز را مطرح کنند ولی این به معنای تأیید همه نظرات نیست. ما نه تنها حق داریم بلکه خود را موظف میدانیم که نظرات و عملکرد ارتجاعی و تبعیض آمیز و ضدانسانی را به نقد بکشیم و سازمان دادن و فراخواندن اعتراض نسبت به این نظرات و اعمال و کلا علیه دگم ها و خرافات و تفرقه افکنی های قومی و مذهبی و نژادی را نیز جزئی از حق و وظیفه خود میدانیم.

از جنبه قانونی میشود موضوع را اینطور توضیح داد که قانون نباید فقط مدافع آزادی بیان باشد بلکه دفاع از حرمت و کرامت انسانها و مقابله با تبعیضات فرهنگی و تهمت و افترا زنی و مقابله با فحاشی و اهانت و غیره هم یک وظیفه دیگر قانون است. بنابراین اگر کسی قانونا آزاد است علیه مردم ترک زبان یا کردزبان یا هر بخشی از جامعه هر حرفی بزند، در مقابل مردم هم میتوانند بعنوان اعمال تبعیض و یا هتک حرمت و تهمت و افترا زنی و غیره از آنها شکایت کنند. این دیگر در حیطه آزادی بیان نیست بلکه حقوق شهروندی است که در دادگاه باید حل و فصل بشود. شما آزادید هر حرفی بزنید ولی وقتی افترا و تهمت بی پایه علیه فردی یا بخشی از جامعه مطرح کردید و از شما به دادگاه شکایت کردند نمیتوانید بعنوان آزادی بیان از عملتان دفاع کنید. اینجا بحث بر سر نقض حقوق شهروندان است و نه آزادی نظر.

نکته بعد در مورد آزادی بیان همانطور که قبلا هم در همین برنامه صحبت کردیم، این

است که آزادی بیان اساسا به رابطه دولت با مردم مربوط میشود و نه رابطه افراد یا بخشهای مختلف جامعه با یکدیگر. دولت و قانون باید بی قید و شرط آزادی بیان همگان را برسمیت بشناسد و پاسداری کند ولی افراد و موسسات و رسانه ها و نهادهای غیر دولتی هم حق دارند هر سیاستی داشته باشند و هر نظری را منتشر بکنند و یا نکنند. اگر شما ادیتور یک روزنامه مترقی و پیشرو و آزادخواهی باشید لابد مقاله ای نظیر آنچه شما در رابطه با اهانت به مردم آذربایجان مطرح کردید را چاپ نمیکند. این جلوگیری از آزادی بیان نیست. سیاست روزنامه شما اینست که نفرت پرانی ملی و قومی را چاپ نمیکند. نویسنده میتواند تریبون دیگری برای انتشار نظراتش پیدا کند. در اینجا دولت دخالتی نکرده است یک رسانه تصمیم گرفته است. این هم یک جنبه دیگر مساله است.

در هر حال هر تعبیری از آزادی بیان داشته باشیم باید از آزادی بیان در کلیت اش دفاع کرد. هم آزادی بیان هر نظری و هم آزادی اعتراض به هر نظری. هر دو را باید برسمیت شناخت.

**خلیل کیوان:** حالتی پیش می آید مثل دو موردی که اشاره کردم که رسانه های دولتی نظراتی را منتشر میکنند. در مورد مسئله ای که در سال ۱۳۸۵ پیش آمد خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی منشا مسئله بود و در مورد اخیر هم صدا و سیما جمهوری اسلامی. آیا اینکه دولت خودش این رسانه ها را در دست دارد تاثیری در این مساله دارد؟

**حمید تقوایی:** بله در این موارد اصل اینست که دولت نباید عامل تبلیغات تبعیض آمیز و نفرت پرانی و دامن زدن به تفرقه و تبعیض ملی باشد. چه از نظر فرهنگی و چه غیر فرهنگی. این مساله مربوط میشود به ماهیت دولت و رابطه مردم با دولت. دولتی

میگیرد و به اعتراضات توده ای منجر میشود. یک رکن دیگر ستم فرهنگی محرومیت از تحصیل و فعالیت فرهنگی و هنری به زبان مادری است که در این مورد قبلا در همین برنامه صحبت کردیم.

تبعیض فرهنگی جزئی از ستم ملی است و مردم ترک زبان و کردزبان و مردم عرب زبان در خوزستان و کلا شهروندانی که زبان مادریشان فارسی نیست و زبان و ادبیات و شعر و موسیقی ویژه خود را دارند همیشه تحت ستم ملی بوده اند. عامل این تبعیضات دولت مرکزی و ایدئولوژی ناسیونالیستی طبقه حاکمه است که همیشه مردم "غیر فارس" را شهروندان درجه دوم محسوب کرده است و حداکثر آنان را مرزبانان غیور نامیده است؛ یعنی کسانی که از مرزها و تمامیت ارضی ایران که یک امر هویتی ناسیونالیسم فارس است پاسداری میکنند. هر زمان هم که این "مرزبانان غیور" علیه تبعیض و ستم ملی اعتراض کرده اند و بمیدان آمده اند با چماق تجزیه طلبی و خطر انداختن تمامیت ارضی کوبیده شده اند. ناسیونالیسم فارس، و در مقابل آنها نیروهای ناسیونالیست قومگرا، به این تبعیضات و تفاوتیهای ملی دامن میزنند و اساسا یکی از ارکان دکترین و جهان بینی نیروهای ناسیونالیستی هویت سازیهای ملی و قومی در میان بخشهای مختلف جامعه است. منشا ناسیونالیسم و قومگرایی حفاظت از منافع طبقه سرمایه دار است که از نظر ایدئولوژیک به هویت سازیهای ناسیونالیستی نیاز دارد. مبنای تشکیل کشورها و ملت - دولتها در عصر ما

**خلیل کیوان:** تبعیض فرهنگی یک واقعیت غیرقابل انکار در ایران هم در دوره جمهوری اسلامی و هم در رژیم های سابق است. این مساله گاه به یک موضوع بحث و جدل حاد و حتی اعتراض بدل میشود. برای مثال نشر کاریکاتور جنجالی روزنامه ایران (به صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی) در ۱۳۸۵ باعث تظاهرات های گسترده در تبریز و بسیاری دیگر از مناطق ترک نشین ایران شد و باعث کشته و زخمی شدن عده ای از معترضین در شهرهای نقده، ارومیه، تبریز، اردبیل و مشکین شهر گردید. و نمونه اخیر آن پخش ویدئویی از یکی از برنامه های صدا و سیما بود که به لباس کردی لباس چوپانی گفته شد و همچنین در جایی با طعنه گفته شد مگر زنان کرد صحبت هم میکنند. این مساله هم به یک موضوع بحث بدل شد.

**حمید تقوایی:** اولین سئوالم اینست که آیا بنظر شما تبعیض فرهنگی در ایران وجود دارد؟ اگر پاسختان مثبت است پرسش بعدی این است که در چه زمینه هایی وجود دارد و منشاء آن چیست؟

**حمید تقوایی:** روشن است که تبعیض فرهنگی در ایران در عرصه های مختلفی وجود دارد. شما نمونه هائی از آن را ذکر کردید ولی در زندگی هر روزه هم این قابل مشاهده است. بعنوان مثال جوکهای تمسخر آمیزی که در مورد ترک زبانان و یا لرها در جامعه رواج دارد یکی از بروزات مشخص ستم فرهنگی است. مساله ای که گاه بگاه مثل نمونه هائی که گفتید اوج

# تبعیض فرهنگی جزئی از ستم ملر است و مردم ترک زبان و کرد زبان و مردم عرب زبان در خوزستان و کلاشرونند انتر که زبان مادریشان فارسی نیست و زبان و ادبیات و شعر و موسیقی ویره خود را دارند همیشه تصک ستم ملر بوده اند. عامل این تبعیضات دولت مرکز و لیدرولوژر ناسیونالیست طبقه حاکم است که همیشه مردم غیر فارسی را شهروندان درجه دوم محسوب کرده است و حداکثر آناخ را مرزبانان غیر نامیده است.

ادامه از صفحه ۲

خلیل کیوان و حمید تقوایی

ممکن است فاشیست باشد یا مدافع ناسیونالیسم فارس باشد یا مانند جمهوری اسلامی یک دولت مذهبی باشد و از رسانه هایش تبلیغات و نظراتی علیه بخشهای مختلف جامعه مطرح کند. اینجا دیگر بحث بر سر بیان و طرح نظرات نیست بلکه مساله بر سر سیاستها و عملکرد ارتجاعی و تبعیض آمیز و ضد انسانی دولتهاست. جامعه باید در برابر چنین دولتی بایستد. کما اینکه در شرایط حاضر ما شاهد شکل گیری جنبشهای اعتراضی متعدد و گسترده ای علیه این نوع تبلیغات و سیاستها و عملکردهای جمهوری اسلامی هستیم. جامعه علیه سیاستها و تبلیغات و قوانین ضد زن، ضد بهائیها، ضد بی خدایان و غیره در حال مبارزه است و مقابله با تبلیغات و سیاستهای تبعیض آمیز علیه مردم منسوب به اقوام و ملل "غیر فارس" نیز شاخه ای از همین مبارزه است. باید با تمام قوا در برابر این سیاستها و اقدامات ایستاد. وقتی یک نشریه خصوصی مقاله ای علیه بخشی از مردم منتشر میکند موضوع در قالب قضائی و شکایت قانونی از آن نشریه مطرح میشود ولی در رابطه با دولت مساله سیاسی است و با اعتراض سیاسی علیه دولت

پاسخ میگیرد. در مورد رژیمی مثل جمهوری اسلامی که کل قوانینش ضد انسانی و تبعیض آمیز است باید علیه دولت و قوانین هر دو جنگید. از این نظر مبارزه علیه ستمی ملی در ایران جزئی از مبارزه علیه کل سیستم موجود محسوب میشود.

**خلیل کیوان:** معمولاً در اعتراضاتی که به تبعیض فرهنگی صورت میگیرد ناسیونالیستها و قومگرایان نقش پررنگی دارند. بهمین دلیل منتقدین نیروهای ناسیونالیسم قومی معتقدند قوم گرایان و ناسیونالیست ها از این مسائل برای داغ کردن تنور سیاست خود استفاده میکنند و آن را باد میزنند. میگویند پرداختن به چنین مسائلی از جانب نیروهای پیشرو و کمونیستها به معنی پذیرفتن دستور کار ناسیونالیست ها و شقه کردن جامعه و منحرف شدن از مسائل اصلی جامعه است. شما چه نظری دارید؟

**حمید تقوایی:** آنچه جامعه را شقه میکند نه مبارزه با تبعیض فرهنگی و ستم ملی بلکه سکوت در مقابل آن و سپردن آن به ناسیونالیستها و قومگرایان است. تردید نیست که نیروهای ناسیونالیست مساله تبعیضات ملی و فرهنگی را برجسته میکنند و از آن سرمایه سیاسی ای

ستم و تبعیض، باید بر این نیز تاکید کرد که در عصر ما همه تبعیضات و مصائب نتایج و بروزات مشخص سلطه نظام و طبقه سرمایه دار است و مبارزه در این عرصه ها در واقع جبهه های مختلف نبرد علیه حاکمیت یک درصدی ها است. مبارزه علیه ستم ملی و مشخصاً ستم فرهنگی هم جبهه معینی از مبارزه علیه کل نظم سرمایه و سیستم موجود است. ازینرو هیچ ظلم و تبعیض و بیحقوقی ای نیست که به ما کمونیستها مربوط نباشد. ما در همه این عرصه ها علیه بیحقوقی ها و تبعیضات می ایستیم و مبارزه میکنیم و تبعیض فرهنگی یکی از این عرصه ها است. اتفاقاً برای اینکه بتوانید در مقابل ناسیونالیستها و قومگراها و نژاد پرستها بایستید و آنها را خنثی کنید باید پرچمدار رفع ستم ملی باشید با نقد و تبیین و راه حل های انسانی و کاملاً پیشرو و آزادخواهانه ای که کمونیستها مطرح میکنند. این تنها راه است. ترک این عرصه معنائی بجز تقویت نیروهای ناسیونالیست و قومگرا ندارد.

**خلیل کیوان:** آخرین سؤالم اینستکه سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال تبعیض فرهنگی چیست و چه سیاستی برای پایان دادن به تبعیض فرهنگی دارد؟ اگر دولت بعدی یک دولت سوسیالیستی باشد چطور با مساله تبعیض فرهنگی مقابله میکند به نحوی که آزادی بیان و دیگر حقوق مردم هم نقض نشود؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم تبعیض فرهنگی جزئی از ستم ملی است که ابعاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم دارد. در این برنامه ما بر تبعیض فرهنگی متمرکز شدیم، اما راهکار ما تبعیض ملی در کلیت آنرا هدف قرار میدهد. راه حل ما در قبال کل مساله ستم و تبعیض ملی برسمیت شناختن حقوق مساوی در همه عرصه ها برای همه شهروندان است: تضمین حقوق مساوی مستقل از اینکه هر کس با چه قومیت و ملیتی شناخته میشود و یا به چه زبانی سخن میگوید، چه

مذهبی دارد و یا هیچ مذهبی ندارد، و مستقل از جنسیت و یا گرایش جنسی و غیره و غیره. حقوق مساوی همه افراد در همه زمینه ها، از جمله از جنبه های که به بحث ما مربوط میشود، نظیر حق تحصیل و فعالیت اجتماعی و فرهنگی به زبان مادری، آزادی پوشش، آزادیهای فرهنگی و هنری در زمینه ادبیات و موسیقی و شعر و رقص و دیگر فعالیت های فرهنگی نه تنها باید از جانب دولت و قانونا برسمیت شناخته بشود بلکه دولت موظف است تسهیلات لازم را برای تحقق آن فراهم کند.

ببینید الان مردم اصفهان و یا مشهد و کرمان از نظر فرهنگی مشکلی ندارند. چون به اصطلاح "فارس" محسوب میشوند. ولی مردم در شهرهای آذربایجان، در شهرهای کردستان و یا مردم عرب زبان در خوزستان مدام تحت فشار انواع تبعیضات فرهنگی هستند. جمهوری سوسیالیستی این تمایز را از بین میبرد. اگر مردم شیراز و اصفهان و مشهد حق دارند به زبان مادری خود تحصیل کنند و یا فعالیت فرهنگی و اجتماعی داشته باشند مردم آذربایجان و کردستان و دیگر مناطق ایران نیز باید عیناً از همین حق برخوردار شوند. راه حل واقعی و انسانی تبعیض فرهنگی برسمیت شناسی حقوق برابر برای همگان است.

جنبه دیگری هم که جزئی از رفع ستم ملی است و در این مصاحبه واردش نشدیم اینست که در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز باید برای همه شهروندان در مناطق مختلف کشور حقوق مساوی برسمیت شناخته بشود و امکانات مساوی فراهم شود. مبنای این سیاست هویت های مذهبی - قومی - ملی - نژادی - جنسیتی نیست، بلکه نفی و خنثی کردن این نوع هویت سازهاست. نقطه عزیمت و هدف ما تاکید بر حقوق جهانشمول انسانی و پاسداری از این حقوق برای همه شهروندان است. جمهوری سوسیالیستی این را تضمین میکند.

ادامه از صفحه ۱  
خلیل کیوان

که انجام شده است فضای همبستگی در میان پناهجویان رشد یافته و شور و امید برای ایجاد تغییر در میان آنها ایجاد شده است. نوری در تاریکی روشن شده است.

فدراسیون پناهندگان تحت هدایت عبدالله اسدی دبیر این سازمان و خانم شیلان میرزایی که گروه تلگرامی بنام جنبش دفاع از حقوق پناهجویان در ترکیه را راه اندازی کرده است، علاوه بر کمک و مشاوره در امر سازمانیابی پناهندگان در ترکیه، در پی فراخوان هایی در خارج از ترکیه در مدت کوتاهی چند هزار یورو کمک

مالی جمع آوری کرده و بنحو مطمئن و موثری در خدمت تامین مشکلات اضطراری برخی از نیازمندترین خانواده های پناهجویان قرار داده است. این کمک ها اگرچه مرهمی بر درد برخی از خانواده های بشدت گرفتار بوده است اما با توجه به فقر شدید پناهجویان و نیازهای بیشمار آنها ایدا کافی نیست. لذا جمع آوری کمک مالی در ابعاد گسترده تری باید سازمان یابد.

ایرانیان خارج کشور که بسیاری از آنها خود در دوره ای پناهجو بوده اند و چه بسا در وضعیت مشابهی در ترکیه و یا کشورهای دیگر بسر برده اند، وضعیت این پناهجویان را درک میکنند. علاوه براین،

افراد خیری هستند که مایل به کمک به پناهجویان هستند. باید توجه آنها و بسیاری از ایرانیانی که از موقعیت مالی مناسبی برخوردارند جلب شود و از آنها درخواست کمک شود.

تعداد قابل توجهی از پناهندگان در هدایت و انجام امور شوراهای پناهندگی هم اکنون فعال شده اند. از جمله این افراد میتوان به خانمها ندا صدیق ناواز و تن ناز لعلی و همچنین آقایان سعید صفر زاده و یداله باقری اشاره کرد.

برای ایجاد تغییر اساسی در وضعیت پناهجویان ترکیه لازم است کارزار گسترده ای در دستور قرار گیرد و کارهای اساسی انجام گردد. اطلاع

رسانی، اقدامات هدفمند، متنوع، سازمانیافته و همه جانبه ای باید صورت گیرد. در درجه اول افکار عمومی را بایستی مطلع ساخت. از کمیساریای حقوق پناهندگی سازمان ملل باید خواست که به مسئولیت خود عمل کند. دولت ترکیه را میتوان تحت فشار قرار داد که در سیاست خود در قبال پناهجویان ایرانی و رفتار غیر انسانی با آنها تجدید نظر کند. احزاب و نهادهای مدافع حقوق انسانی در ترکیه را لازم است به یاری طلبید. توجه و حمایت ایرانیان خارج کشور، احزاب و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی ایرانی باید نسبت به وضعیت این پناهجویان جلب شود. اتحادیه اروپا را بخاطر سد کردن راه خروج

برای پایان دادن به شرایط ترازیک این پناهجویان و یا حتی ایجاد تغییراتی بنفع آنها به یک کارزار قدرتمند نیاز است. به اتحاد و همبستگی، سازمانیابی و بسیج نیرو و اطلاع رسانی و اقدامات متعددی دیگری باید مبادرت کرد. در حمایت از این پناهجویان از هیچ کوششی دریغ نکنیم.

برای پایان دادن به شرایط ترازیک این پناهجویان و یا حتی ایجاد تغییراتی بنفع آنها به یک کارزار قدرتمند نیاز است. به اتحاد و همبستگی، سازمانیابی و بسیج نیرو و اطلاع رسانی و اقدامات متعددی دیگری باید مبادرت کرد. در حمایت از این پناهجویان از هیچ کوششی دریغ نکنیم.



## ”نواندیشی اسلامی“ از چاه اسلام به چاه عرفان!

حسن صالحی



و سپس بسته شدن چند ساله دانشگاه ها همراه بود. از آن سالها زمان زیادی می گذرد. اما حالا ورق برگشته است. اسلام در حال هزیمت است و هجوم از جانب مردمی صورت می گیرد که از چهار دهه حاکمیت اسلام جز جپاول و جنایت و عقب گرد

عبدالکریم سروش مدتی است بحثهایی در رابطه با اسلام شروع کرده است. ایشان بعنوان یکی از معماران انقلاب فرهنگی کذایی معرف همه هست. همان انقلاب فرهنگی ای که با سرکوب خونین و کشتار بی رحمانه دانشجویان

چیزی نصیبشان نشده است و می خواهند از شر رژیم اسلامی خلاص شوند.

مردم زیادی طی این سالها به دلیل تجربه تلخ و خونین جمهوری اسلامی از هر چه دین و اسلام است بیزار شده اند. یک تنفر عمومی از اسلام و حکومت اسلامی جامعه را فرا گرفته است. زمانی شاید ”اصلاح طلبی دینی“ برو بیایی داشت. اما این پروژه به جایی نرسید و نهایتا در خیابان از سوی مردم با شعار ”اصولگرا، اصلاح طلب دیگه تمام ماجرا“ بساطش جمع شد.

در چنین اوضاع و احوالی است که ”نو اندیش اسلامی“

ما عبدالکریم سروش به عرفان پناه آورده است. او به تازگی به این نتیجه رسیده است که قرآن کتاب ”خوف و خشیت“ (ترس همراه با تعظیم) است و لازم است با ”محبت“ عرفان تلطیف شود. عرفان گرایی سروش بازتاب شکست پروژه اصلاح حکومت اسلامی در واقعیت است. رویگردانی و نفرت عمومی مردم از اسلام، ”فیلسوف اسلامی“ ما را به گوشه عزلت عرفان رانده است تا در نهایت یاس و ناامیدی دریچه ”محبت دینی“ را به سوی مردم بگشاید. دینی که به زعم خود ایشان پیامبرش قاتل بوده است و بیرحمانه فرمان گردن زدن مخالفین را می داده است. آنچه که در پشت

این به اصطلاح پوست انداختن عبدالکریم سروش قرار دارد بی اعتباری و بی آبرویی اسلام در ایران و منطقه خاورمیانه است. سروش با ارائه تصویری دیگر از اسلام می خواهد این دین را نجات دهد و برایش آبرویی بخرد. غافل از آنکه وقتی که به زعم سروش مولف قرآن خود محمد یعنی کسی می شود که با قتل و خونریزی به اشاعه اسلام می پرداخت در واقع به درجه زیادی زیر آب اسلام زده شده است. دینی که قدوسیت آسمانی از آن گرفته شود یعنی به ته دره سقوط کرده است و دوباره احیا کردن آن طبعاً آب در هاون کوبیدن

ادامه در صفحه ۵

## انتخابات کذایی نزدیک است

ژوبین زارع

نماینده قوه قضائیه و سخنگوی دولت از سرباز حمایت می کنند. اگر کار بر قاعده باشد، سرباز باید در انفرادی باشد و جامعه منتظر عذرخواهی و اعترافات او.

مصطفی تاجزاده با چپ خط امامی مستقر در سرزمین ملکه، علی علیزاده گفتگو میکند و سپاه را عامل همه اتفاقات و کاستی ها اعلام میکند. از سمت دیگر خسرو معتضد در مقابل صادق زیباکلام سخنگوی غیر رسمی جمهوری اسلامی در شبکه های تلویزیونی خارج از ایران در تلویزیون جمهوری اسلامی می نشیند و مدح و ثنای رضاشاه را می گوید.

به زودی خاتمی که مدت هاست همیشه ممنوع تصویر و ممنوع صدا و ممنوع القلم است، زبان باز خواهد کرد و بروال معمول مردم را برای انتخابات نمایشی دیگری خطاب قرار خواهد داد. اگر با دقت به این موارد

با تحلیل اخبار و اتفاقات ایران متوجه می شویم که در جمهوری اسلامی همه چیز به هم گره خورده است. جمهوری اسلامی پروژه های متفاوتی را تعریف می کند و به پیش می برد، اما با اندکی تفکر و به گفته مارکس دست بردن به ریشه ها همگی بر ملا می شود.

نزدیک مضحکه انتخابات است، به یکباره دفتر آیت الله بیات زنجانی اطلاعیه می دهد که از حصر، تلفنی با او تماس گرفته شده است. خبرنگار اصلاح طلب از تماس تلفنی زهرا رهنورد با خود خبر می دهد و تماس محصورین با مادر سهراب اعرابی توسط خبرنگاران در فضای مجازی پخش می شود. سیلی به گوش سرباز از طرف نماینده مجلس می خورد، امام جمعه فلان منطقه که با سن و سال زیاد احتمالاً مشاعرش را از دست داده، مطابق قاعده جمهوری اسلامی درخواست بازداشت منتشرکننده فیلم را می دهد و نماینده ضارب نیز از دروغگویی سرباز و اینکه



جامعه ایران نه نیازی به پروتستانتیسم اسلامی دارد و نه به آن سمت می رود. برعکس جامعه ایران به سوی یک مذهب زدایی تمام عیار می رود. بیداری ضد مذهبی زمین ایران را شخم خواهد زد و ریشه هر علف هرز مذهبی را بیرون خواهد آورد و به دور خواهد انداخت.

ادامه از صفحه ۴  
حسن صالحی

است. سرنوشت عبدالکریم سروش سرنوشت کسی است که از همان اول روی کار آمدن رژیم اسلامی در شکل دادن به خشونت بی رحمانه دینی در ایران نقش داشت. سپس از جانب دوستان سابقش مورد غضب واقع شد و به غرولند کردن افتاد. و وقتی خواست خیلی "رادیکال" شود در اوج بی توجهی جامعه، عرفان را پیشه کرد که در طول تاریخ امتحان خود را پس داده است. سروش در چاه دینی باقی مانده است تنها فرقی این است که از چاه اسلام حالا به چاه عرفان نقب زده است. سروش بر خلاف سلف خود یعنی علی شریعتی که پدر تئوریک جمهوری اسلامی بود پدر موجودی است که قبل از تولد مرده است.

غوطه وری "نواندیشان اسلامی" در جهالت مذهبی طبعاً برای مردم عاصی از دین توجه ای را بر نمی انگیزد. مردم می خواهند اسلام را از زندگی خود بیرون کنند و "نواندیشان اسلامی" می خواهند دوباره اسلام را از پنجره به زندگی مردم بازگردانند. این دو قطب هیچگونه سازگاری با هم ندارند. با تعیین تکلیف مردم با جمهوری اسلامی عمر حاشیه های این حکومت یعنی "نواندیشی اسلامی" هم به پایان می رسد.

بی معناست. اسلام با انقلاب مشروطه در ایران دُمش چیده شد. سپس در سایه اقتدار خاندان پهلوی بعنوان ابزاری برای تحمیق مردم به حیات خود ادامه داد و آنگاه در جریان انقلاب ۵۷ بعنوان یک جریان ضد انقلابی برای مهار و سرکوب انقلاب بکارگرفته شد. به قول منصور حکمت "جامعه ایران احتیاجی به لوتر [Martin Luther] و کالون [John Calvin] ندارد، چون حاکمیت اسلام بر آن نه یک هژمونی عقیدتی، روانشناسانه و ساختاری، بلکه یک سلطه سیاسی و پلیسی است که به طرق سیاسی برانداخته خواهد شد."

جامعه ایران نه نیازی به پروتستانتیسم اسلامی دارد و نه به آن سمت می رود. برعکس جامعه ایران به سوی یک مذهب زدایی تمام عیار می رود. بیداری ضد مذهبی زمین ایران را شخم خواهد زد و ریشه هر علف هرز مذهبی را بیرون خواهد آورد و به دور خواهد انداخت. سروش میتواند با عرفان خود حال کند اما اگر فکر میکند میتواند اسلام "زمینی شده" را به خورد مردم بدهد بشدت در اشتباه است. اسلام در ایران ماموریتش را با خونریزی و چپاول به نحو کاملی انجام داده است و دیگر کارش تمام است. دوره کنونی دوره انقلابی مدرن و کارگری و ضد اسلامی است. با هیچ معجزه ای نمیتوان مسیر این انقلاب را تغییر داد.

من مطلقاً اعتقادی به دین و "نواندیشی دینی" علی العموم ندارم چه رسد به "نواندیشی اسلامی" آن. "نواندیشی اسلامی" به عبارت ساده تر همان ماله کشی اسلام است تا بتواند بماند. دین ارتجاعی است و هر چقدر هم بزک شود و لعاب تازه به آن داده شود همچنان ارتجاعی و ضد انسانی باقی می ماند. همانطور که از مس نمی شود طلا درست کرد از خرافه و تیرگی مذهبی نمی توان علم و روشنایی را استخراج نمود. بعلاوه بگیریم که اسلام و دین قابل نو اندیشیدن باشند چرا باید چنین گزینه هایی را برگزید در حالیکه بشر می تواند اندیشه های آزادیخواهانه و مترقی را انتخاب کند. مثل این می ماند که ما بخواهیم نظام ارباب و رعیتی را اصلاح کنیم در حالیکه عمر آن مدت هاست پایان یافته است.

پروتستانتیسم یعنی انشعابی که در دین مسیحیت رخ داد دلایل و زمینه های دیگری داشت. در قرن شانزدهم میلادی الهیات و دین مسیحیت بر همه چیز حکفرمایی داشت. روبنایی بود که جلوی رشد مناسبات تولیدی و گذار از جامعه فئودالی به سرمایه داری را گرفته بود و دین می بایست با مقتضیات تکامل اقتصادی جامعه خود را انطباق می داد. انشعاب پروتستانتیسم از کاتولیسیسم جوابی به این نیاز تاریخی بود. اما اسلام چنین جایگاهی را ندارد و لذا پروتستانتیسم اسلامی هم

## انتخابات بی انتخابات!

### رای ما مردم

## سرنگونی جمهوری اسلامی

نگاه کنیم مشخص است که حکومت رفتارهای بدون هزینه را برای دمیدن در تنور انتخابات پر رنگ جلوه خواهد داد اما گره را نمی تواند باز کند.

«خود» مظلوم واقع شده است صحبت می کند. اما بالادستی ها میدانند که انتخابات نزدیک است. بنابراین نماینده مذکور در چرخشی سریع به طور ضمنی عذرخواهی می کند،

## صاعقه ی ما، ستم اغنیاست!

مراد مکوندی



تنها کمتر از یک درصد پول هایی که از جیب و سفره ی کارگران و بازنشستگان دزدیده شده است می تواند مدارس کپری و کاندگی و چادری را به مدارس مقاوم تبدیل کند.

ادامه از صفحه ۵

ژوبین زارع

اخبار مهم و زیر پوست جامعه را بیان نمی کند. فعالان رژیم در فضای مجازی از اعتراضات بازنشستگان در تمامی شهرهای ایران سخن نخواهند گفت، از اینکه کارگران فولاد اهواز مدیران را با لگد بدرقه نموده اند دم نخواهند زد. در تلویزیون با نمایندگان هفت تپه مناظره برگزار نمی شود، درباره بازداشت فعالین کرد و یخ زدن پنج کولبر در کوهستان سخنی به میان نخواهد آمد. از اعتراضات گسترده پرستاران و اعتصاباتشان خبری پخش نخواهد شد. چرا که این جنبش مردم را جمهوری اسلامی با دندان هم نمی تواند گره اش را باز کند. با عذرخواهی و سمینار و مناظره و تلفن، نمی توان پاسخ جنبش مردم را داد. در روزگار پیوند این جنبش ها، حکومت دوباره چهره خود را نشان خواهد داد، دندان هایش را، چنگالش را و وحشی گریش را.

و دام و دامدار را در جای جای ایران می کشد، بلکه این سرمایه داری جمهوری اسلامی است که بر سر مردم فرود می آید و خون می ریزد. این همان صاعقه ای است که چهار سال است بر سر زنان فرود آمده است. این همان صاعقه است که در قالب داغ و درفش و زندان و شکنجه و پرونده سازی و اعدام به جان آزادیخواهان و مخالفان سانسور و دگراندیشان و کمونیست ها و کارگران و دانشجویان افتاده است.

به قول پروین اعتصامی، صاعقه ای که بلای جان مردم شده است، ستمی است که سرمایه داری آن را تولید و بازتولید می کند. برای آنکه مردم از دست این رژیم صاعقه آفرین آسوده شوند، راهی جز سرنگون کردن این بختک اسلامی از طریق یک انقلاب و بدست مردم جان به لب رسیده وجود ندارد.

مردم تصمیم خود را گرفته اند و هر روز بیشتر از دیروز بر این تصمیم و عزم جزم خود مصمم تر می شوند.

چادری را به مدارس مقاوم تبدیل کند.

تا جایی که به من برمی گردد، بارها در مورد آنچه که از آن ها بعنوان بلایای طبیعی یاد می شود، نوشته ام که زلزله و سیل و آتشفشان و رعد و برق و سونامی و توفان و ترنادو و مانند این ها، ممکن است هنگام وقوع، طبیعی باشند، اما بی دفاع ماندن مردم در مقابل آن ها، دیگر طبیعی نیست بلکه عمدی است، فاجعه است. و این فاجعه بدست دولت ها اتفاق می افتد. در جهان صنعتی و پیشرفته ی قرن بیست و یکم که دارد از ثروت های تولید شده بدست کارگران منفجر می شود، پذیرفته نیست که توفان و سیل و صاعقه، جان مردم را بگیرد. سران جنایتکار و چپاولگر جمهوری کرونایی و سرمایه داری اسلامی، مثل اژدهای هزارسر بر ثروت هنگفت مردم چنبره زده اند و آن را خرج سازمان های مولد جهل و خرافه و کشت و کشتار و ناامن سازی منطقه می کنند. این صاعقه نیست که دانش آموز و معلم و کشاورز

سیمانی ندارد؟

در حالی که همین امروز برادر معاون اول رییس جمهور، به جرم اختلاس میلیون ها دلار ارز فقط به دوسال حبس محکوم شده است و معلوم نیست اصلا به زندان برود. این در حالی است که اکبر طبری معاون اجرایی صادق لاریجانی رییس قلمی قوه قضاییه یک قلم از دزدی هایش رشوه گرفتن یک خانه ی لاکچری هشتصد میلیاردی در لواسان است. این در حالی است که اخیرا معاون سازمان تروریستی حماس اعتراف کرده که یک چمدان حاوی میلیونها دلار از دست قاسم سلیمانی تحویل گرفته است. و هزاران مورد دیگر از دزدی ها و غارت ها که تنها بخش کوچکی از آن می تواند در تمام شهرها و روستاهای فاقد مدرسه، مدرسه ساخته شود رو میشود.

تنها کمتر از یک درصد پول هایی که از جیب و سفره ی کارگران و بازنشستگان دزدیده شده است می تواند مدارس کپری و کانکسی و

صاعقه هم مانند سیل و زلزله می تواند یک بلای طبیعی باشد، اما خرابی هایی که ببار می آورد، گاهی یک فاجعه است. چه زمانی فاجعه است؟ زمانی که به جان و زندگی انسان ها خسارات جبران ناپذیر وارد کند. یعنی انسان ها از هرگونه امکانات پیشگیری و پشتیبانی از سوی دولت ها محروم باشند.

در خبرها آمده بود که یک کلاس کانکسی در دزفول بر اثر صاعقه طعمه ی آتش سوزی شده و جان دو دانش آموز را گرفته است. طبق معمول، مدیران ناکارآمد استانی و کشوری تکذیب کردند و وقتی دیدند که فاجعه، از طریق شبکه های اجتماعی، رسانه ای شده، سعی کردند فرافکنی کنند تا بلکه بتوانند پاهای لرزان خود را کنار بکشند و بگویند که کپسول گاز منفجر شده و فاجعه رخ داده است و لابد مثل همیشه گناه را گردن معلم و یا دانش آموز خواهند انداخت. غافل از آنکه چرا کلاس کانکسی؟ حتی اگر منطقه، عشایری باشد، چرا آن منطقه یک اتاق ثابت و آجری یا

اکنون نزدیک نمایش انتخابات است، فصل نمایش گل و مقنعه رنگی و اجابت درخواست های پوچ است. فصل راه اندازی وبسایت «تهران من» است تا مردم از آرزوهای خود در آن بنویسند و هر آرزویی که بیشترین لایک را بخورد شورای شهر به دنبال تحقق آن باشد. اما چه آرزویی مهمتر از برچیده شدن و جارو شدن جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و کل سیستم و نظام وابسته به آن؟

در شرایطی که پنج میلیون دانش آموز به دلیل نداشتن موبایل و تبلت و لپ تاپ و کامپیوتر از تحصیل بازمانده اند، چه کسی و با چه وسیله ای می خواهد در وبسایت شما لایک بزند؟ جمهوری اسلامی نه خواب است و نه خود را به خواب زده است، آگاهانه میداند که به سمت سقوط میرود و تنها سعی می کند با اینگونه نمایش ها مردم را فریب بدهد و سقوط خود را اندکی به تاخیر بیندازد. اما مردم به فکر تصرف خیابان ها و کارخانجات هستند و به قول منصور حکمت «نه بزرگ» را به شما گفته اند.

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran | اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91 | تلگرام: telegram.me/wpi\_hkki | شماره آپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## ابتکار بسیار جالب پرستاران بیمارستان میلاد، الگو میدهد

میترا آذرخش

پرستاران و حمایت همه جانبه مردم در فضای مجازی آن ها را در ادامه دادن اعتراضاتشان مصمم تر کرده و درخواست های خود را صریح تر بیان می کنند. آن ها مدیر فاسد خود را می شناسند. مدیری که در شرایط سخت کرونایی به بهانه نبودبودجه و اعتبارات کافی، ماسک و گان و محلول ضدعفونی به مقدار نیاز در اختیار پرستاران قرار نمی دهد و با وقاحت کامل به آن ها اعلام کرده اند که خودشان تهیه کنند. با گستاخی به پرستاران اعلام می نمایند که بودجه داریم ولی صرف مسائل مهمتر می گردد. به پرسنل اعلام کرده که مسائل مالی به من ارتباطی ندارد.

در حالی که پیمانکار طبقه دهم بیمارستان و ساختمان جدید اداری برادر خود حمزه زاده، رئیس بیمارستان بوده و صورت وضعیت های شرکت پیمانکار به موقع پرداخت می گردد. مشاور رئیس، خواهر زاده او می باشد که به گفته پرستاران با سی سال سن ماهانه پنجاهمیلیون تومان حقوق می گیرد.

این عمق فساد و چپاول گسترده ای است که در جمهوری اسلامی به تمامی ارکان اداری و نظامی و حکومتی رخنه کرده و در این شرایط خاص بهداشتی که تمام دنیا از کادر درمان خود حمایت می کند، کاسه لیسان این نظام جنایتکار، پرستاران را استثمار می نمایند. شکی نیست که در تمامی بیمارستان های دیگر در سراسر ایران نیز شرایط بهتر از این نمی باشد اما به دلیل عدم ثبات شغلی و تهدیدات امنیتی هنوز صدای رسایی مانند بیمارستان میلاد بیرون نیامده است، اما اعتراضات در زیر پوست جامعه جریان دارد و با یکی شدن همه آن ها دیگر اثری از استثمار و نظامی استعمارگر جمهوری اسلامی باقی نخواهد ماند.

دریافت کرده است. همین یک جمله برای نمایش عمق فاجعه کافیست. سیصد ساعت کار در ماه برای انسان، نمایش ظلم، اسارت و تحت ستم بودن است. مبلغ حقوق هم برای کسی که روزانه در معرض ویروس کرونا است و با بزرگ ترین و خطرناک ترین اپیدمی صدسال اخیر دست و پنجه نرم می کند به شوخی بیشتر شباهت دارد تا واقعیت. اما در حکومت اسلامی به بردگی گرفتن انسان حقیقتی آشکار است.

پرستاران شاغل در بیمارستان به اعتبار نامه ای که در تاریخ ده دی ۹۹ از طرف رئیس بیمارستان به تامین اجتماعی ارسال شده مطابق قانون کار بوده و فاقد رابطه استخدامی با سازمان تامین اجتماعی می باشد. به طور خلاصه اینکه پرستاران کارمند رسمی نیستند و در آغاز هر سال قراردادی یک ساله با آن ها بسته می شود و هر لحظه که مدیریت اراده نماید می تواند قرارداد را فسخ نماید.

در شرایطی که با تورم افسارگسیخته در ایران مواجه هستیم حق کارانه این پرستاران از سال ۹۱ ثابت باقی مانده است و همین عدم امنیت شغلی نیز یکی از ترس های پرستاران در این ایام سخت اقتصادی می باشد. به پایان سال ۹۹ نزدیک می شویم و پس از جمعیکه در تاریخ ۲۳ دی انجام گرفت همگی پرستاران تهدید به عدم تمدید قرارداد شده اند و به طور مستقیم و غیر مستقیم عدم تمدید قرارداد در سال جدید را به رخشان میکشند تا آن ها را از تجمعی دیگر و اعتراضی دیگر برحذر دارند و تاسف بارتر اینکه به صورت نامحسوس کسر حقوق حدود یک میلیون تومانی نیز به دلیل تنبیه برای اعتراضاتشان اعمال شده است. اما بازتاب جهانی اعتراض

## خواست های پرستاران

- افزایش حقوقها به بالای خط فقر اعلام شده ۱۲ میلیونی
- پرداخت بموقع حقوق ها و پرداخت حقوق های معوقه
- کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قرارداد
- پرستاران پیمانی و شرکتی
- بالا بردن استاندارد درمانی بیمارستانها و مجهز کردن آنها به امکانات مقابله با بیماری مهلک کرونا
- کاهش فشار کار و لغو اضافه کاری های اجباری
- استخدام حداقل ۵۰۰ هزار پرستار جدید
- پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات
- حق بی قید و شرط اعتراض و اعتصاب و تشکل
- درمان رایگان برای همه مردم
- حذف حقوق های نجومی مدیران



بوده و آن را چون توهینی به خود و کل جامعه پرستاران قلمداد کرده اند.

از دیگر مشکلات بزرگ پرستاران، احترام نداشتن پرسنل می باشد. رئیس بیمارستان، جناب حمزه زاده بارها به آن ها بی حرمتی کرده و با القابی همچون گوسفند و چوپان آن ها را خطاب قرار داده است. با مرور مشکلات هر بخش از کادر پرستاری بیمارستان متوجه تفرندی حیل گرانه از طرف مدیریت بیمارستان جهت زیر پا گذاشتن حقوق آن ها خواهیم بود. از جمله آن که در ابلاغ های جدید، سمت شغلی نیروی بخش آزمایشگاه و رادیولوژی و پذیرش را به کارمند اداری تغییر داده تا حق شب کاری و دیگر مزایای آن ها را با همین تغییر نام پرداخت ننماید.

این بیمارستان نزدیک به هزار پرستار دارد که همگی تحت فشار هستند. پرستاری با بیش از سیصد ساعت کار در ماه تنها پنج میلیون تومان

مشکلات پرستاران در دوران کرونا دو چندان بوده و مشکلات پرستاران بیمارستان میلاد بیشتر از همه. در وهله اول با اعلام ضرورت بودن بیمارستان در سال جاری حقوق و دستمزد آن ها کاهش پیدا کرده و کارانه و نرخ بهره وری آن ها نیز کمترین میزان را در میان بیمارستانهای تهران داشته است. در حالیکه با نگاهی گذرا به بیمارستان میلاد مشخص است که شلوغ ترین و پر زحمت ترین بیمارستان ایران میباشد و به دلیل کمبود امکانات درمانی در شهرستان های دیگر، از تمام نقاط کشور جهت مداوا و انجام عمل های سنگین به این بیمارستان مراجعه می کنند. همگی این ها در شرایط عادی درمانی است. در سالی که رنج کرونا، غم از دست دادن همکاران و فشار دوچندان کاری به علت بیماری کرونا نیز به آن ها وارد گردیده، حق کرونا آن ها نیز پس از گذشت یک سال فقط به مبلغ هشتصد هزار تومانواریز گردیده است. مبلغی که با

اعتراض وسیع پرستاران همراه

پرستاران بیمارستان میلاد در اقدامی متحد تصمیم گرفتند که با تاسیس کانالی تلگرامی صدای خودشان را به گوش همه همکاران و پرسنل دیگر بیمارستان و همچنین به گوش های شنونده نه در حصار میلاد که در تمام کشور برسانند.

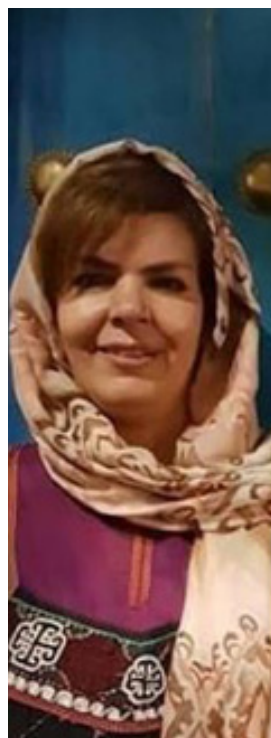
آن ها در فراخوانی دسته جمعی از کلیه همکاران خود خواستند که لینک کانال اعتراضی خود را برای تمامی دوستان و آشنایان خود در تمام گروه ها و کانال های دیگر ارسال کنند تا با همدلی و اتحاد به خواسته های برحق خود دست یابند. آن ها که سال گذشته نیز اعتراضاتی را داشته اند با نگاه به سایر اعتراضات توده ای از جمله اعتصابات هفت تپه و بازنشستگان و معلمان به این نتیجه مهم رسیدند که به دست آوردن حق با چانه زنی با صاحبان سرمایه به دست نخواهد آمد. تنها راه شنیدن صدایشان و دستیابی به درخواستهایشان تجمع و تحنن می باشد.

## تداوم محرومیت از درمان منیره عربشاهی در زندان کجویی کرج

منیره عربشاهی، از مدافعین حقوق زن که در زندان کجویی کرج به سر میبرد، علیرغم دستور پزشکی قانونی جهت اعزام درمانی تاکنون از رسیدگی پزشکی محروم مانده است. این امر در حالی است که زندان کجویی کرج هزینه اعزام منیره عربشاهی به بیمارستان را دریافت کرده اما دادستانی کرج مانع اعزام او به بیمارستان شده است.

منیره عربشاهی و دخترش یاسمن آریانی، از مخالفان حجاب اجباری هستند که دوران محکومیت خود را در زندان کجویی کرج سپری می کنند.

آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و کلیه فعالین جنبش های اجتماعی یکی از مهمترین مطالبات مردم است.



ابتدایی آغاز می شود.

بر خلاف آنچه که اسلامیت ها و مرتجعین تبلیغ می کنند، به کودکان آموزش نمی دهند که چطور رابطه جنسی داشته باشند، بلکه شناختن جنسیت و درک و احترام به دیگران را می آموزند.

باید هم به حکومت فشار آورد که آموزش مسائل جنسی را که در اکثر کشورها رایج است در دستور بگذارد و ثانیاً خانواده ها لازم است این مسائل را با کودکان خود در میان بگذارند.

دست شستن از آموزش های جنسی و جنسیتی در جمهوری اسلامی و تحویل آن به خانواده ها، هدفش باز تر کردن راه برای آموزش و ترویج سیستماتیک و وسیع فرهنگ ناسالم اسلامی است که در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نهادینه است.

اسلامی و جایگاه کودک در سیستم اسلامی است.

برقراری روابط برابر، رابطه سالم با خانواده، عدم پذیرفتن خشونت خانوادگی، شناختن آزار جنسی، پذیرفتن جنسیت و احترام به جنسیت های دیگر، برقراری رابطه برابر و دوستانه و انسانی با جنسیت های دیگر، امنیت در رابطه با دیگران، برقراری رابطه امن در اینترنت، ساختن رابطه سالم متناسب با سن و سال کودک، همگی در دنیای امروز در تناقض با اساس و فلسفه موقعیت و جایگاه کودک و بویژه زنان و دختران در سیستم اسلامی است، سیستمی که در آن حقوق کودک از ابزار و احشام فراتر نیست.

در دنیای متمدن امروزی، آموزش روابط به کودکان که شامل آموزش های جنسی و جنسیتی هم می شود بخش ثابتی از سیستم آموزش و پرورش است که از دوران

جنسی بدهد چون در را به روی خیلی مسائل باز میکند که با تمام فرهنگ و ایدئولوژی حاکم در تناقض است. آنرا از حالت تابو خارج میکند، چشم و گوش کودکان بویژه دختران را باز میکند، به ایجاد فرهنگ انسانی تری دامن میزند، به برابری در رابطه جنسی دامن میزند، نیاز به مدارس مختلط را بیشتر مقابل چشم دانش آموزان قرار میدهد، روابط جنسی انسانی میان کودکانی که به سن بلوغ میرسند را در مقابل آنها میگذارد، تمام مزخرفات اسلامی را زیر سوال میبرد، در را بروی معلمان مدرن باز میکند که از خلال این مساله سنت های عقب مانده و ضد زن را زیر سوال ببرند و همه اینها کاسه کوزه فرهنگ کثیف اسلامی را زیر سوال میبرد.

آموزش های جنسی و جنسیتی، و کلاً رابطه سالم و امن و برابر کودکان با دنیای اطراف متنقض با آموزش های

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی گفت: "مدرسه جایگاه آموزش های جنسی و جنسیتی نیست. این موضوع بر عهده خانواده هاست."

اما واقعیت این است که در حکومت اسلام، آموزش های جنسی و جنسیتی اسلامی یکی از پایه های اصلی آموزش و پرورش و برای ترویج روابط و ضوابط اسلامی است. همان روابط ناسالم و مضر اسلامی که دائم و از همان دوران کودکی ترویجش می کنند، جایی برای آموزش های جنسی و کلاً روابط انسانی و مدرن و سالم و امن در مدارس نمی گذارد و به رسمیت نمی شناسد. آموزش های جنسی و جنسیتی ای که حکومت از آن جلوگیری کرده است، بخشی از آموزش رابطه کودک با جامعه و اطرافیان است که در اروپا چندین دهه سابقه دارد.

جمهوری اسلامی نمیخواهد به کودکان آموزش مسائل



ادامه از مدیای اجتماعی حزب

## مردم امیدوار روسیه با قدرت به میدان می آیند!



## تظاهرات علیه پوتین، کابوس خامنه ای!

## تظاهرات علیه "پوتینیسم" در روسیه، امید به تغییر

در دهه گذشته، کرملین از همه ابزاری که در اختیار دارد استفاده کرده است تا اعتراض به ولادیمیر پوتین را بی معنی جلوه دهد. اما روز شنبه ۲۳ ژانویه، در ۷۰ شهر روسیه، از سن پترزبورگ گرفته تا ولادی وستوک و حتی در یاکوتسک، جایی که ۵۰ درجه زیر صفر است توده وسیع مردم به خیابان آمده و با صدای بلند اعلام کردند که امیدشان را برای تغییر از دست نداده اند. جوانان نقش برجسته و حضور گسترده ای در این تظاهرات توده ای داشتند.

اعتراضات توده ای در روسیه که در ۲۰۱۱ آغاز شد و به "انقلاب برف" معروف شد، همچون انقلاب های دیگر در آن دوره با سرکوب وحشیانه، دستگیری های وسیع، احکام زندان طولانی برای فعالین

و حتی ترور سرکوب شد. حکومت پوتین موفق شد مردم روسیه را که علیه تبعیض و فقر و فساد و استبداد به خیابان آمده بودند عقب بنشانند و هر جا که توانست سرکوب کرد. آخرین مورد آن مسموم کردن یکی از چهره های سرشناس اپوزیسیون دولت روسیه، الکسی نوالنی، بود. اما بار دیگر مردم به شکل وسیع به میدان آمده و اعلام می کنند که نه هراسی دارند و نه امیدشان را به تغییر از دست داده اند و در مقابل پوتین و سرکوب و فساد و تبعیض پوتینیسمی کوتاه نمی آیند.

این تظاهرات ها فضای تازه ای در روسیه را نشان میدهد که مردم خود را سازمان یافته تر از پیش آماده مقابله با حکومت سرکوبگر روسیه کرده اند.

## تونس، در ده سالگی انقلابی که ناتمام ماند

## مردم تونس می خواهند انقلاب ناتمام ده سال قبل را به سرانجام برسانند



شدند، توهامات فروریخت و خیزش های جدید شروع شد. خیزش ۸۸ سرکوب شد اما ۹۶ بسیار روشن تر و قاطع تر بار دیگر سر بلند کرد. باز هم سرکوب شد اما دو سال بعد در آبان و دی ۹۸ با شعار نابود باد جمهوری اسلامی بار دیگر بپاخاست. هر بار روشن تر و رادیکال تر و تعرضی تر.

تفاوت ایران با تونس اما این است که در ایران جنبش های مختلف اجتماعی با پلاتفرم های روشنی شکل گرفته است و حزبی نفوذ دارد که پرچم مطالبات مهم جامعه را برافراشته و با فعالیت سیاسی و میدانی وسیع در طول دهه های گذشته فضایی چپ بر جنبش ها و اعتراضات اجتماعی حاکم شده است.

ولی خواست اصلی و محوری مردم ایران و تونس یکی است: سرنگونی

مردم تونس بار دیگر به میدان آمده اند که انقلاب ده سال قبل برای رفاه و عدالت و آزادی را ادامه دهند. ده سال قبل مردم تونس بن علی دیکتاتور را سرنگون کردند و سپس اسلامی ها را عقب راندند اما نتوانستند حکومت مطلوب خود را سازمان دهند. نتیجتاً فقر و سرکوب و تبعیض و نابرابری ادامه یافت. اما در انقلاب ده سال قبل، مردم توانایی خود را دیدند، تجربه گرفتند، و اینبار با کوله باری از تجربه به میدان آمده اند.

این طبیعت انقلابات است که مردم بلند میشوند زمین میخورند، دوباره بلند میشوند و باز هم زمین میخورند اما سرانجام کار را یکسره میکنند.

مردم ایران نیز تجربه مشابهی دارند. انقلاب ۵۷ شکست خورد اما جامعه سیاسی شد، مردم به قدرت خود واقف

انقلابی علیه فقر، تبعیض، بی حقوقی،

انقلابی برای عدالت، آزادی و کرامت

ادامه از مدیای اجتماعی حزب

## جدال در میان حکومتیان برای فیلتر کردن اینستاگرام و پیشروی مردم



پیشروی سیاسی در جنبش سرنگونی علیه حکومت است.

حکومتیان خود به شکست خود در مقابل مردم اعتراف میکنند. روزنامه جوان وابسته به سپاه چند روز قبل اعتراف کرد که تلگرام را فیلتر کردیم اما فایده نداشت ۴۷ میلیون نفر در ایران کاربر تلگرام هستند. سخنگوی دولت نیز گفته است مگر توانستیم ماهواره ها را از پشت بام های مردم جمع کنیم که حالا میخواهیم اینستاگرام را ببندیم؟ دهها میلیون ماهواره پشت بام های مردم خود سند گویایی است که اگر مردم بخواهند هر کاری میتوانند بکنند. دیش های پشت بام ها و ۴۷ میلیون کاربر تلگرام اسناد گویایی از شکست فاحش حکومت و پیشروی مردم و تودهنی بزرگی علیه دشمنان مردم است. مدیای اجتماعی را نیز باید به صحنه کارزار همه جانبه علیه حکومت تبدیل کنیم.

مردم با فیلترینگ کار خود را کرده اند و سران حکومت حتی اگر با هم توافق کنند و اینستاگرام و سیگنال را هم ببندند، مردم از تلاش برای دسترسی به آنها دست برنمیدارند و در ابعاد دهها میلیونی از آنها استفاده خواهند کرد. همانطور که بساط حمله به دیش های ماهواره ای را بر سر حکومتیان خراب کردند، این تهدید و اقدام حکومت اسلامی را هم به شکست خواهند کشاند. اما باید به گردانندگان فیس بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب و واتساپ و سیگنال فشار آوریم که حساب های کلیه مقامات و ارگانهای حکومت را ببندند.

شکل گیری یک جبهه مبارزه برای مسدود کردن حساب های کاربری سرکوبگران حاکم و مصون کردن فضای مجازی از تهدید و نفرت پراکنی و ترویج تبعیض توسط سران حکومت و ارگانهایش یک

**KANAL JADID**  
کانال جدید

فرکانس

تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی قاتل  
مردم ایران است و باید از همه  
نهادهای بین المللی اخراج شود  
و سران آن به جرم جنایت  
علیه بشریت محاکمه شوند.

## اطلاعیه های حزب

## مقابله هوشیارانه کارگران فولاد با توطئه گریهای مدیران فاسد

## کارگران فولاد مدیران دزد و فاسد را از کارخانه بیرون کردند

بزرگی از کارکنان شرکت در میدان روبروی تالار به نوبت مساوی صحبت کنند. این مناظره به یک کیفرخواست و صحنه افشاگری علیه مدیران دزد شرکت تبدیل شد و کارگران با مدارک روشنی نشان دادند که اینها پولهایی را بنام شرکت گرفته اند و بجای هزینه کردن برای شرکت و شرایط کار، بالا کشیده اند.

با این مدارک و اسناد و بحثهای کارگران، مدافعان مدیران به تزلزل و تردید افتادند و گفتند ما از این اسناد خبر نداشتیم و اکثر آنها از اقدام خود در حمایت مدیریت ابراز پشیمانی کردند. به این ترتیب کارگران فولاد با حضور قدرتمند خود ضمن خنثی کردن توطئه مدیریت، در صفی متحد تر بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند.

بدین ترتیب فولاد اهواز بار دیگر در کنار نیشکر هفت تپه به کانون های داغ اعتراض علیه اختلاس ها و دزدیها و دردفاع از زندگی و معیشتشان تبدیل شده اند. از اعتراضات این کارگران باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات  
سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراهای

حزب کمونیست کارگری  
ایران

۸ بهمن ۱۳۹۹، ۲۷ ژانویه  
۲۰۲۱

روز هشتم بهمن ماه یک صحنه رویارویی متحدانه و قدرتمند کارگران فولاد اهواز بامدیران فاسد و توطئه گر رقم خورد. بنا بر خبر منتشر شده در مدیای اجتماعی به نقل از گروه تلگرامی "صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد" به دنبال فراخوان شب گذشته عوامل وابسته به کارفرما، صبح امروز شمار معدودی از نیروهای طرفدار مدیران خلع شده، با بنر حمایت از یوسفی و شعار "مرگ بر فتنه گر" مقابل تالار روابط عمومی تجمع کردند.

با آغاز این تجمع فرمایشی که تعدادی از سرپرست های شرکت نیز مبلغ آن بودند، روشن بود که هدف اساسی آنان مقابله با حرکت اعتراضی کارگران برای اخراج مدیران فاسد و جمع شدن باند مافیایی مدیران دزد از شرکت بوده است. از همین رو جمع بزرگی از کارگران فولاد اهواز که شمارشان به چند صد نفر میرسید برای خنثی کردن توطئه مدیران در همان محوطه جمع شدند و با حضور قدرتمند خود توطئه گری کثیف مدیران را خنثی نمودند و پاسخ دندان شکنی به مقامات شرکت دادند.

کارگران فولاد با هوشیاری کامل کوشیدند فضای متنشج و تفرقه اندازانه را به مکالمه و گفتگو تغییر داده و مدافعین مدیران را به مناظره در یک تریبون آزاد دعوت کردند. قرار شد نمایندگانی از سوی طرفداران مدیریت و نیز از جانب کارگران در حضور جمع

نسبت به حضور این مدیران یعنی "نادر جعفر یوسفی" و "ابوالفضل محمدی" و "ابوالفضل جنتی" هشدارهای لازم را داده بودند و این بار با قاطعیت و عمل مستقیم خود به مدیرعامل اعلام کردند که فوراً باید با تیم همراهش شرکت را ترک کند. مدیر حراست و نیروی انتظامی در این مقطع در نقش محافظان آنها و سربازهای وظیفه شناس مفتخوران وساطت کرده و ضمن تلاش برای کنترل اوضاع، خواسته های کارگران را جویا شدند. اما کارگران مجدداً بر مطالبه برحق خود یعنی لزوم اخراج مدیران فاسد از شرکت تاکید کردند.

بدین ترتیب بعد از همه این ماجراها در این روز کارگران فولاد اهواز به تجمع و اعتراض خود ادامه دادند. و وقتی مدیر عامل و دارو دسته رانت خوارش متوجه شدند که کارگران با عزم راسخ ایستاده اند، ناگزیر جلوی چشم کارگران و با گردنی افتاده مجبور به ترک شرکت شدند.

قصد داشته به بهانه تشکیل تیم بوکس در گروه ملی، این بوکسورها را که به عنوان مزدور خود برگزیده، برای سرکوب کارگران به حراست بفرستد. با روشن شدن این موضوع کارگران معترض فولاد متحدانه تصمیم گرفتند که تمام این افراد معلوم الحال را از کارخانه بیرون کنند. سپس در حالیکه بحث در میان کارگران داغ بود، بلافاصله سر و کله پویامنش رئیس حفاظت همراه با نیروهای حراست پیدا شد. آنها به قصد برخورد با پرسنل آمده بودند که با مقاومت کارگران فولاد مواجه گردیدند و پویامنش نیز از شرکت بیرون انداخته میشود.

در ادامه این حرکت اعتراضی و بدنبال کنار زدن نیروهای حفاظت فیزیکی، کارگران فولاد به سمت دفتر مدیرعامل حرکت کرده و با شعار کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد و در حالیکه یوسفی مدیرعامل و معاونانش جلسه داشتند، با هجوم به آنها و برهم زدن جلسه، خواهان اخراج این مدیران از شرکت شدند.

کارگران گروه ملی به دفعات

دورجدیدی از مبارزت کارگران فولاد اهواز آغاز شده است. یک موضوع مهم اعتراضات این کارگران، اعتراض به بساط چپاول مدیران دزد و فاسد است. در همین رابطه روز ۶ بهمن کارگران فولاد در حرکتی جمعی به دفتر مدیر عامل و معاون او رفته و آنها را از شرکت بیرون کردند. بنا بر گزارشات منتشر شده در مدیای اجتماعی از سوی این کارگران ماجرا از این قرار بود که در این روز ۲۱ نفر از ورزشکاران بوکس با هماهنگی مدیریت به اسم نیروی استخدامی حراست وارد مهمانسرای شرکت شدند. پس از مدتی حدود چهار و نیم بعدازظهر، تعدادی از پرسنل سراغ آنها رفته و درباره نحوه استخدام این افراد سوالاتی کردند.

این افراد ادعا داشتند که از طریق آگهی موسسات کاریابی برای کار در شرکت آمده اند، در حالیکه آدرس یا حتی نام و تلفن موسسه را نمی دانستند. کارگران متوجه شدند که نادر جعفر یوسفی که گویا به دنبال مدارج عالی رانت خواری در ورزش نیز میگردد،



سایت حزب کمونیست کارگری ایران

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

ما هنوز کارمان با مدیران ضد کارگری  
تمام نشده است!

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۱

## مدارس کانکسی بازهم قربانی گرفت

سه کودک و سه معلم در آتشسوزی کانکس سوختند! کودک ۱۵ ساله، نیما همتی جان باخت!



سه شنبه ۳۰ دیماه، ساعت حدود ۲۱، کانکس محل استراحت معلمین در روستای کنگرستان بخش سردشت دزفول آتش گرفت و سه آموزگار در درون آتش گیر افتادند. سه کودک به نام های امین الیاسی ۱۴ ساله، نیما همتی چالگرد ۱۵ ساله و یونس مرادالیاسی ۱۵ ساله که برای کمک به معلمان رفته بودند همراه سه آموزگار به اسامی علی ایسپره، حسین رضایی میرقاند و مجید مرادی در آتش سوزی کانکس با جراحات شدید سوختند و بوسیله مردم به بیمارستانی در اهواز منتقل شدند.

نیما همتی چالگرد ۱۵ ساله در اثر شدت جراحات ناشی از سوختگی جانش را از دست داد. حسین رضایی آموزگار حق التدریس به دلیل سوختگی ۹۰ درصدی با تلاش و قبول مخارج سنگین از سوی خانواده اش به بیمارستانی در اصفهان منتقل گردیده است. هیچ کدام از آسیب دیدگان بیمه نبوده و قادر به تأمین مخارج سنگین بخش ویژه سوانج و سوختگی نیستند. خانواده ها می گویند هزینه بستری در ICU حداقل ۳ میلیون تومان است و هیچ کدام از آسیب دیدگان قادر به پرداخت این هزینه سنگین نیستند. نه استانداری

خوزستان و نه آموزش و پرورش تا به حال هیچ کمکی به سانحه دیدگان نکرده اند. مسئولان آموزش و پرورش دزفول طبق معمول برای اینکه از مسئولیت شانه خالی کنند، اصابت صاعقه به سقف کانکس را دلیل آتشسوزی مهیب اعلام کردند. اما اثرات بجا مانده بخوبی نشان می دهد که آتش سوزی از دورن کانکس شروع شده و انفجار کپسول گاز پیک نیکی سبب تشدید سوختگی سانحه دیدگان شده است. کودکان آسیب دیده پیش از این به دلیل فقر و عدم توانایی مالی خانواده از چهار سال پیش ترک تحصیل کرده بودند.

فقط در خوزستان، ۱۳۰۰ مدرسه کانکسی و حدود ۴۰۰ مدرسه خشت و گلی نایمن که اساساً نباید بعنوان محیط آموزشی بکار گرفته شود به قربانگاه دانش آموزان و معلمان بدل گردیده است. بر روی دریایی از ثروت، کوهی از فقر و فلاکت سر به فلک کشیده است. مناطق محروم با کمترین امکانات اولیه ایمنی و آموزشی به حال خود رها شده اند. اگر در هر کلاس درسی فقط ۱۰ دانش آموز حضور داشته باشد نزدیک به ۱۴ هزار دانش آموز و معلم فقط در این مناطق جانشان

در خطر جدی است. در مقابل مسئولان آموزش و پرورش استان می گویند «ما حتی در تأمین هزینه آب و برق هم مانده ایم و یا از خیرین کمک می گیریم یا از دانش آموزان!»

مسئول مستقیم فاجعه آتش سوزی های مکرر در مدارس و هزاران مدرسه فاقد ایمنی، حکومت اسلامی

است. از سفیلان و شین آباد پیرانشهر تا درودزن فارس و چابهار تا کنگرستان دزفول، ده ها دانش آموز و معلم در آتش سوزی های مهیب جان باختند و یا برای همیشه با داغی بر سر و صورت و تنی سوخته همچنان در آتش بی مبالاتی عاقدانه مسئولان حکومتی می سوزند.

جمهوری اسلامی هیچ عزمی برای خاتمه دادن به این حرمانهای بی پایان ندارد، مستقیماً مسبب و عامل بقا این مصایب جانکاه است. این حکومت باید به زیر کشیده شود، تا آموزش و پرورش انسانی، شاد و مدرن برپا گردد.

نهاد کودکان مقدمند

۷ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱

## اعتصاب در پتروشیمی سنندج و فضای پرتحرک اعتراضی در مراکز نفتی

همان روز آزاد شدند.

روز ۶ بهمن کارگران پتروشیمی سنندج در اعتراض به پایین بودن دستمزد برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. در این روز هیئتی ۶ نفره از طرف کارفرما با ریاست اصغری رئیس مجتمع پتروشیمی سنندج و جوراچی رئیس تعمیرات با ۲۵ نفر از نمایندگان کارگران نشستی برگزار کردند. اما در این نشست شرکت کنندگان از سوی کارفرما کارگران را تهدید به اخراج کردند و در مقابل کارگران بر ادامه اعتصاب تأکید کردند. این اعتراضات ادامه دارد.

اعتراضات در مراکز مختلف نفتی ادامه دارد و هر روز گسترده تر میشود. افزایش فوری دستمزدها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، پرداخت بوقع دستمزدها و طلبهای کارگران، لغو قراردادهای موقت و بیمانی و خلع ید از پیمانکاران مفتخور در این مراکز، لغو قوانین برده وار مراکز ویژه اقتصادی، بالا بردن استانداردها بهداشت و درمان و گذاشتن امکانات درمانی رایگان نفت در اختیار همه کارگران، رعایت موازین سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مرگبار کرونا و بالا بردن استانداردهای زیستی و کاری، پایان دادن به فضای صنعت نفت و مراکز وابسته به آن هستیم. این اعتراضات در تداوم اعتصاب ۲۵ هزار کارگر بیمانی نفت در مرداد ماه صورت میگیرد که ضربه محکمی بر فضای اردوگاهی و امنیتی نفت وارد کرد. لازم به یادآوریست که در روز ۴ بهمن کارگران رسمی نفت تجمع داشتند و کارگران بیمانی نیز طی بیانیه ای حمایت خود را از این تجمع اعلام کردند. در آن روز حکومت اسلامی در هراس از به میدان آمدن کارگران نفت تجمع آنها را مورد حمله قرار داد و مانع پیوستن جمعیت بیشتری که در حال پیوستن به این تجمع بودند گردید. در این تجمع اعتراضی همچنین چند نفری از کارگران بازداشت شدند اما بازداشت شدگان در پایان

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ بهمن ۱۳۹۹، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

## اخباری از اعتراضات پرستاران و معلمان و ادامه بازداشتها در کردستان

کردن مبارزات، بسته شدن پرونده های امنیتی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی است. باید وسیعاً به این کارزار پیوست. بویژه با توجه به دستگیری های وسیع اخیر در کردستان باید در کنار خانواده های بازداشت شدگان ایستاد و با تاکید بر آزادی فوری و بدون قیدو شرط همه بازداشت شدگان، صدای اعتراض خود را به این دستگیریها اعلام داشت. با اعتراضی سراسری و کارزاری قدرتمند باید مقابله این سرکوبگری ها ایستاد.

در برابر گسترش اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، جمهوری اسلامی بازداشت ها و دستگیری ها را گسترش داده است. از جمله موج بازداشتها در کردستان کماکان ادامه دارد و تاکنون بیش از هفتاد نفر از فعالین اجتماعی در این استان بازداشت شده اند. یک کارزار مهم کارگران، معلمان و بخش های مختلف جامعه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. خواست مشخص این کارزار پایان دادن به امنیتی

روز یکشنبه ۵ بهمن جمعی از آموزشگران نهضت سواد آموزی و مربیان پیش دبستانی الشتر در لرستان در اعتراض به قراردادهای موقت و عدم استخدام خود در آموزش و پرورش علیرغم داشتن سالها سابقه کاری مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر اقدام به تجمع کردند.

روز ۴ بهمن افشین الهی کارگری بخش مواد غذایی نوشین در شهر سقز توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر شد.

آموزش و پرورش است.

روز ۵ بهمن معلمین حق التدریسی و مربیان نهضت سواد آموزی سیرجان در اعتراض به استخدامهای قراردادی و با خواست تعیین تکلیف امور استخدامی و برگزاری دوره های تابستانی در مقابل محوطه آموزش و پرورش سیرجان تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواست اصلی آنها استخدام دائمی در آموزش و پرورش است.

روز دوشنبه ۶ بهمن پرستاران بیمارستان خصوصی مرکزی شیراز در اعتراض به سطح پایین حقوقها و با شعار "اعتراض، عدالت" دست به تجمع زدند.

صبح روز دوشنبه ۶ بهمن، شماری از مربیان پیش دبستانی اخراج شده در شهرستان باغملک در استان خوزستان، مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. خواست آنها بازگشت به کار و قرارداد دائمی با وزارت

## تجمع و اعتصاب کارگران راه آهن نورآباد اراک و کارگران آنومالی بافق و دو خبر دیگر

را بلند کرده اند ولی جوابی که به آنها داده میشود اینست که بروید هر جا که بهتر مزد میدهند کار کنید. کارگران در اعتراض به این قلدری و سردواندن ها اکنون در اعتصاب بسر میبرند. این اعتراضات ادامه دارد.

۲۸ دی بنا بر خبر دریافتی روز ۲۸ دی ۵۰ نفر از کارکنان شرکت تنابیر مجری نگهداشت پست های برق خطوط انتقال برق نیروگاه بعثت در اعتراض به سطح نازل حقوقها و کاهش دیگر مزایای شغلی خود از صبح پستهای برق را ترک کرده و در جلوی دو نیروگاه تجمع کردند. زیر فشار اعتراض کارگران سالاری از مسئولین نیروگاه با اسکورت حراست در جمع معترضین حاضر شد و وعده هایی دارد. کارگران اعلام کردند که اگر به قولهای داده شده عمل نشود دوباره اعتصاب خواهند کرد.

روز یکشنبه ۵ بهمن کارگران قراردادی شرکت جوش گستر راه آهن نورآباد اراک و راهگرد در اعتراض به تعویق پرداخت چندین ماهه مزد و حق بیمه خود و قراردادهای موقت دست به اعتصاب زدند.

روز ۵ بهمن کارگران شرکت ملی خدماتی تدارک وابسته به بانک ملی در اعتراض به قراردادهای موقت کاری دست به تجمع زدند. کارکنان این شرکت پانزده سال است که با این شکل از قراردادهای برده وار کار میکنند. حتی بعضاً با مدارک کارشناسی ارشد در حد حقوق پایه دریافت میکنند و هیچگونه ارتقاء شغلی نیز نداشته اند. این کارگران خواهان تبدیل فوری قراردادهای خود به دائم هستند.

روز ۴ بهمن اعتصاب کارگران معدن آنومالی شمالی بافق یزد در اعتراض به دستمزدهای نازل، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که چندرغازی به مزدشان اضافه میکند، شرایط نا امن معدن و سختی کار و قراردادهای برده وار کاری وارد هشتمین روز خود شد. کارگران میگویند که ۹ ماه است که به اشکال مختلف صدای اعتراض خود

## تجمع اعتراضی کارگران شرکت پالایش نفت آبادان و بیانیه حمایتی کارگران پیمانی نفت

پیشگیری به رایگان در اختیار همه قرار گیرد. ما کارگران نفت نیز همصدا با همه کارگران، بازنشستگان، معلمان و بخش های مختلف جامعه اعلام میکنیم واکسن استاندارد باید خریداری شود و واکسیناسیون رایگان بدور از هرگونه تبعیضی به رایگان و سراسری در اختیار همه قرار گیرد.

۵- به فضای امنیتی در نفت و مراکز وابسته به آن خاتمه داده شود. حق تشکل، حق تجمع، حق اعتراض، حقوق پایه ای همه کارگران است.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و مبارزات کارگران نفت فعالانه حمایت و پشتیبانی میکند و همه کارگران و مردم را به همبستگی با آنها فرا میخواند. صدای اعتراض کارگران نفت را باید وسیعاً بازتاب داد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ بهمن ۱۳۹۹، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۱

بر خواسته های زیر تاکید داریم: ۱- قراردادهای موقت و پیمانی باید به قراردادهای دائم و مستقیم با نفت تبدیل شود و به پاسکاری ما بین پیمانکاران مفتخور خاتمه داده شود.

۲- حقوقهای ما همانطور که در مرداد ماه اعلام کرده ایم کفاف زندگی مان را نمیکند و باید به رقم بالایی خط فقر اعلام شده دولت یعنی بالای ۱۲ میلیون افزایش یابد. هیچ کارگری نباید کمتر از ده میلیون مزد دریافت کند.

۳- حقوقهای ما هر ماه بموقع پرداخت شود. و طلبهایمان در همه جا فوریت پرداخت گردد.

۴- ما کارگران غیر رسمی باید از امکانات درمانی رایگان در نفت برخوردار شویم و همانطور که همکاران رسمی ما اعلام کرده اند سطح آن ارتقاء یابد. بویژه پروتکل های سازمان بهداشت جهانی برای مقابله با بیماری مرگبار کرونا در همه مراکز اجرایی شود و امکانات لازم

صبح روز ۴ بهمن بیش از ۳۰۰ نفر از نیروهای قراردادی تعمیرات (اوورهای) شاغل در پالایشگاه آبادان، در اعتراض به استخدامهای موقت کاری و اعمال سلیقه ای قانون تبدیل قراردادهای خواستار تبدیل وضعیت شغلی شان به دائمی شدند. این کارگران اکثراً دارای سوابق کاری بیش از سه سال و بعضاً ۱۵ سال هستند و یک معضل اساسی آنها نداشتن امنیت شغلی است.

روز سوم بهمن کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای از تجمع اعلام شده توسط کارگران رسمی این شرکت در چهارم بهمن ماه اعلام حمایت و همبستگی کردند و بر خواسته های فوری خود تاکید نمودند. این بیانیه بیش از پیش همبستگی مبارزاتی تمامی کارگران نفت و فضای پر تحرک اعتراضی در میان این کارگران و صنایع وابسته به نفت را به نمایش میگذارد. در این بیانیه چنین آمده است: "ما کارگران پیمانی صنعت نفت، ما ۲۵ هزار کارگری که در مرداد ماه اعتصاب کردیم و با وعده های داده شده سر کار بازگشتیم ولی هنوز هم جوابی نگرفته ایم. ما به اجرایی نشدن وعده های داده شده اعتراض داریم و ضمن اعلام حمایت از فراخوان همکارانمان کارگران رسمی برای تجمع در روز چهارم بهمن و دفاع از مطالباتشان

زنده باد  
سوسیالیسم

## بحران آب غیر بهداشتی و ناسالم در خوزستان



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

## خواست فوری مردم

تأمین شرایط انسانی و پاک بهداشتی زیست و با استاندارد بالا برای همه مردم

## دعوت به کنفرانس اونلاین، به مناسبت مقابله با روز جهانی حجاب

AGAINST WORLD HIJAB DAY  
**HIJAB IS SEXIST AND MISOGYNIST**  
FEATURING:

روز ۱ فوریه به پیشنهاد  
نظم خان (Nazma Khan)  
ملکان آمریکایی، روز  
جهانی حجاب نامگذاری  
شده است. هر ساله میلیونها  
زن از سراسر جهان علیه  
این روز اعتراض میکنند. ما  
بهمین مناسبت زنان را  
از عربستان سعودی،  
پاکستان، ایران و سوئد  
دعوت کرده ایم که علیه  
حجاب و در مورد تاثیرات  
مخرب حجاب بر زندگی  
زنان سخنرانی کنند.

MARYAM NAMAZIE  
FARIDEH ARMAN  
MINA AHADI  
JENNY WENHAMMAR  
SHAHEED  
LILITH KHANNUM  
RANA AHMAD

JANUARY THE 29TH  
2021  
18:00 CET  
17:00 UK TIME

کنفرانس با حضور  
شخصیتهای برجسته  
بین المللی، روز جمعه ۲۹  
ماه ژانویه از ساعت ۱۷  
عصر اروپا

خواست فوری مردم  
خوزستان تأمین شرایط  
انسانی و پاک و بهداشتی  
زیست و با استاندارد بالا  
برای همه مردم این مناطق  
است. سالهاست که مقامات  
استان به بهانه تأمین آب  
شرب بودجه های هنگفتی  
می گیرند و بالا میکشند و  
کاری نمیکند. جنبش دفاع  
از محیط زیست و زندگی  
انسانی برای همه مردم را باید  
گسترش داد.

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۳

## «بحران آب غیر بهداشتی و ناسالم در خوزستان»

از هفته گذشته تاکنون آب شرب روستاهای سید عباس، حلاف حسن، صگور فریح و آلبو صیاد واقع در حاشیه رودخانه کرخه مسیر دشت آزادگان بطور مکرر قطع شده است و اهالی این روستاها برای تأمین آب شرب ناگزیر هستند از آب نهر کرخه در محدوده شهر حمیدیه استفاده کنند. آبی که فقط برای کشاورزی و دام استفاده می شد اما مردم این روستاها مجبور شدند برای آب شرب نیز از آن استفاده کنند. این موضوع تنها مختص به این روستاها نیست. در خوزستان از شمال تا جنوب آن روستاها و حتی بسیاری از شهرها با کمبود یا نبود آب آشامیدنی سالم مواجه اند.

تخلیه و رهاسازی پسماند و زباله های عفونی بیمارستانی و همینطور فاضلاب شهری در رودخانه های استان خوزستان و فرسودگی شبکه دفع فاضلاب، از منابع آلودگی آب مصرفی مردم است. به گونه ای که برای مثال در اهواز و بنا به اظهار مقامات بهداشتی؛ آب آشامیدنی این شهر در نمونه برداری های متعددی که صورت گرفته آغشته به فاضلاب و مدفوع انسانی بوده است. در چند روز گذشته نیز گزارش هایی از ابتلای مردم بعضی مناطق اهواز و چند روستای خوزستان به هیپاتیت A منتشر شده است. تنها در یک روستای کوچک در اطراف شهر باغملک در شمال خوزستان ۱۷ نفر از اهالی به هیپاتیت مبتلا شده اند که این تعداد دوازده نفر از آنها کودکان زیر ۱۰ سال هستند.

برابر آمارهای حکومتی حدود ۷۰۰ روستای خوزستان در بحث تأمین و توزیع آب مشکل دارند. فعالان مدنی و محیط زیست آمار واقعی را حدوداً دوبرابر این آمار اعلام کرده اند و اعلام کرده اند که بیش از هزار و دویست روستا با بحران آب روبرو بوده و ساکنین این روستاها در حال مهاجرت به سایر مناطق استان هستند.

تنها در بخش غیرزنیه در شرق اهواز که بیش از این ۹۶ روستا داشت اکنون بعضی از روستاها خالی از سکنه شده و تعداد آنها به ۸۰ روستا با حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت رسیده است.

مردم بخش غیرزنیه سوم خرداد ماه سال جاری در اعتراض به مشکل آب آشامیدنی این بخش و نیز اجرا نشدن طرح آبرسانی به این منطقه پرمجمعیت تجمع و اعتراض کردند؛ در مقابل اما حکومت این خواست ابتدایی مردم را با سرکوب و گلوله پاسخ داد.

موضوع مهم دیگری که اکنون نگرانی جدی در مورد سلامت مردم در خوزستان ایجاد کرده است بحث آلودگی های میکروبی و عفونی آب شرب است. آلودگی و ناسالم بودن

کمیته سازمانده حزب  
کمونیست کارگری - واحد  
خوزستان

۶ بهمن ۹۹، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

مینا احدی